

اماکن مقدس باید جایی برای مصالحه باشند نه نزاع

دیده‌گاه امروز

دردین کاتزار | پنجشنبه 2 فوریه 2017 | 16:27

ENGLISH / العربية / FRANÇAIS / 中文 / فارسی

THE TIMES OF ISRAEL

دردین کاتزار | پنجشنبه 2 فوریه 2017

اماکن مقدس باید جایی برای مصالحه باشند نه نزاع

بعد از تصویب قطعنامه بحث‌برانگیز شانزده اکتبر 2016 در یونسکو، این سازمان و عملکردش به موضوع داغ مباحثات سیاسی تبدیل شد. در این قطعنامه، اورشلیم و اماکن مقدس تنها با اسم اسلامی‌اش، یعنی القدس، به رسمیت شناخته شد. در نتیجه، ارتباط سه هزارساله یهودیان و دو هزار ساله مسیحیان با این شهر مقدس نادیده گرفته شد. عملکردهای «برقراری صلح و آرامش در انهدان مردان و زنان» است، تصمیمی سیاسی گرفت که آتش نزاع را شعله‌ور کرد. علی‌رغم تلاش‌های بسیار برای جلوگیری از این اشتباه تاریخی [2]، اماکن مقدس، حالا به وسیله‌ای برای جنگ‌های تبلیغاتی شده‌اند.

این قطعنامه‌ی سوگیرانه بیش از پیش اعتماد عمومی به سازمان ملل و سازمان‌های زیرمجموعه‌اش را کاهش خواهد داد. صد البته، کاهش اعتماد اقل پیامدهای این تصمیم است. نگرانی اصلی از واکنش‌هایی است که این مکان حساس را تحت تاثیر قرار میدهد. گذشته، درست بعد از آن که اسرائیل به نقض قوانین ورود و خروج به تپه‌ی معبد مقدس متهم شد [3]، بعضی از فلسطینیان موجی از حملات با چاقو و آسیب زدن به ماشین‌ها را آغاز کردند. در پی این اقدامات بسیاری از افراد بیگناه جان خود و جان اطرافیان خود را از دست دادند.

ارتباط معنوی ادیان ابراهیمی با اورشلیم غیرقابل‌خنده است. تپه‌ی معبد مقدس، که توسط مسلمانان حرم الشریف خوانده میشود، برای تمام یکتاپرستان حرمت دارد. حرم شریف جایی است که بسیاری از پیامبران در طول هزاران سال، دعوت خود را از آن جا آغاز میکردند. جایی که قلب‌های یهودیان متوجه آن جاست. همان جا که عیسی به سوی ایمانی رهنمون شد که نوع انسان را متحول میکرد (و در واقع به اسلام گرایش میداد)، اورشلیم و اماکن مقدس، میراث مشترک این سه دین است و هیچ حکم سیاسی نمیتواند این واقعیت را تغییر دهد.

با این حال اخیراً اماکن مقدس اورشلیم نقطه‌ی کانونی تنازعات سیاسی شده‌اند. بعضی گروه‌های مشخص ادعایی را مطرح کردند که بر آن مبنی، یهودیان تا قبل از اعلامیه‌ی 1917 با القور [4]، هیچ‌گاه به تپه‌ی معبد مقدس مراجعه نمی‌کردند. اما واقع امر ساده است. در طول تاریخ، طلاب علوم اسلامی مکرراً این حقیقت را مورد تأیید قرار داده‌اند که تپه‌ی معبد مقدس، مکانی شریف برای یهودیان است. همچنین این طلاب تپه‌ی معبد را به عنوان محل معبد سلیمان توصیف کرده‌اند. اسامی عبری اورشلیم و تپه‌ی معبد، یعنی القدس یا بیت المقدس، برگرفته از نام عبری آن (Beit Hamikdash) در عهد عتیق است. با تأسیس دولت اسرائیل، به رسمیت شناختن این گزاره جدال برانگیز شد و از سوی مخالفان اسرائیل تکفیر شد [5]. عاقبت، چنین بیانی علناً موجب بازنویسی تاریخی شد که در آن ارتباط یهودیان با اورشلیم به همین اواخر باز می‌گردد.

نویسنده

عبدان اوکاتار

اشتراک

RSS

اطلاق خبر

ایمیل

فیسبوک

تویتر

مطالب مربوطه

سازمان ملل

پس اسرائیل در حال نگه‌داشتن تپه معبد مقدس در اورشلیم

تایمل اسرائیل

آخرین اخبار

هشدار مشاور امنیت ملی: ترامپ به رژیم ایران، از امروز به طور رسمی زیر ذره‌بین هستید |

برای جذب دانش‌جویان، اسرائیل مرکز آموزشی می‌کند |

وزارت خارجه ایران: اتهامات نظر از مورد آزمایش‌های موشکی ما خارج از صلاحیت هر کشور یا نهادی است |

بعد از تصویب قطعنامه بحث‌برانگیز شانزده اکتبر 2016 در یونسکو، این سازمان و عملکردش به موضوع داغ مباحثات سیاسی تبدیل شد. در این قطعنامه، اورشلیم و اماکن مقدس تنها با اسم اسلامی‌اش، یعنی القدس، به رسمیت شناخته شد [1]. در نتیجه، ارتباط سه هزارساله یهودیان و دو هزار ساله مسیحیان با این شهر مقدس نادیده گرفته شد. یونسکو که شعارش «برقراری صلح و آرامش در انهدان مردان و زنان» است، تصمیمی سیاسی گرفت که آتش نزاع را شعله‌ور کرد. علی‌رغم تلاش‌های بسیار برای جلوگیری از این اشتباه تاریخی [2]، اماکن مقدس، حالا به وسیله‌ای برای جنگ‌های تبلیغاتی شده‌اند.

این قطعنامه‌ی سوگیرانه بیش از پیش اعتماد عمومی به سازمان ملل و سازمان‌های زیرمجموعه‌اش را کاهش خواهد داد. صد البته، کاهش اعتماد اقل پیامدهای این تصمیم است. نگرانی اصلی از واکنش‌هایی است که این مکان حساس را تحت تاثیر قرار میدهد. سال گذشته، درست بعد از آن که اسرائیل به نقض قوانین ورود و خروج به تپه‌ی معبد مقدس متهم شد [3]، بعضی از فلسطینیان موجی از حملات با چاقو و آسیب زدن به ماشین‌ها را آغاز کردند. در پی این اقدامات بسیاری از افراد بیگناه جان خود و جان اطرافیان خود را از دست دادند.

ارتباط معنوی ادیان ابراهیمی با اورشلیم غیرقابل‌خنده است. تپه‌ی معبد مقدس، که توسط مسلمانان حرم الشریف خوانده میشود، برای تمام یکتاپرستان حرمت دارد. حرم شریف جایی است که بسیاری از پیامبران در طول هزاران سال، دعوت خود

را از آن جا آغاز میکردند. جایی که قلب های یهودیان متوجه آن جاست. همان جا که عیسی به سوی ایمانی رهنمون شد که نوع انسان را متحول میکرد (و در واقع به اسلام گرایش میداد). اورشلیم و اماکن مقدسش، میراث مشترک این سه دین است و هیچ حکم سیاسی نمیتواند این واقعیت را تغییر دهد.

با این حال اخیراً اماکن مقدس اورشلیم نقطه ی کانونی تنازعات سیاسی شده اند. بعضی گروه های مشخص ادعایی را مطرح کردند که بر آن مبنی، یهودیان تا قبل از اعلامیه ی 1917 بالفور [4]، هیچ گاه به تپه‌ی معبد مقدس مراجعه نمی‌کردند. اما واقع امر ساده است. در طول تاریخ، طلاب علوم اسلامی مکرراً این حقیقت را مورد تأیید قرار داده‌اند که تپه‌ی معبد مقدس، مکانی شریف برای یهودیان است. همچنین این طلاب تپه‌ی معبد را به عنوان محل معبد سلیمان توصیف کرده‌اند. اسامی عربی اورشلیم و تپه‌ی معبد، یعنی القدس یا بیت المقدس، برگرفته از نام عبری آن در عهد عتیق است. با تاسیس دولت اسرائیل، به رسمیت شناختن این گزاره جدال بر انگیز شد و از سوی مخالفان اسرائیل تکفیر شد [5]. عاقبت، چنین بیانی علناً موجب بازنویسی تاریخی شد که در آن ارتباط یهودیان با اورشلیم به همین اواخر باز می‌گردد.

در واقع تاریخ اسلام میراث مشترک اورشلیم برای مسلمین و یهودیان را به وضوح نشان میدهد. حضرت محمد(ص) در شب معراج به الاقصی (دورترین مسجد) رفت و از آن جا به آسمان عروج کرد. در طول حیات پیامبر، تنها چیزی که در آن مکان وجود داشت ویرانه های معبد سلیمان و آوار یک معبد رومی و کلیسایی بود که در آن مکان شریف ساخته شده بود.

یهودیان به قیمت جانانشان اجازه نداشتند در اورشلیم زندگی کنند. بعد از آن که رومی‌ها قیام یهودیان را سرکوب کردند، معبد یهودیان را در سال 70 بعد از میلاد نابود کردند، دقیقاً به این خاطر که آن مکان، مهم ترین مکان برای بنی اسرائیل بود. پس از آن خلیفه‌ی دوم مسلمین، عمر بن خطاب، از بازگشت یهودیان به پایتخت خود استقبال کرد. او تپه معبد را از زباله‌ها پاکسازی کرد و به این دلیل که آن محل برای پیامبران مرکزیت داشت، اماکنی برای پرستش خدا در آن جا ساخت. در زمان حکمرانی عباسیان نیز یهودیان به زندگی در اورشلیم ادامه دادند، تا زمانی که صلیبیون اورشلیم را تسخیر کردند و مسلمانان و یهودیان را از دم تیغ گذرانده و قتل عام کردند. در زمان حکومت حکمران مسلمان، صلاح الدین عیوبی، یهودیان مجدداً برای برگشت به شهر دعوت شدند. امپراتوری عثمانی نیز با یهودیان همین برخورد را داشت. قوانین مربوط به عبادت یهودیان روبروی دیوار غربی، توسط سلطان سلیمان اول عثمانی در قرن 16 میلادی وضع شد و در طول 400 سال حکمرانی عثمانی‌ها، یهودیان در مقابل این دیوار نماز می‌گزارند [6].

در قرن 20 میلادی، مجلس اعلاهی مسلمانان اورشلیم در کتابچه‌ی راهنمای حرم شریف اعلام کرد که هویت تپه معبد به عنوان محل معبد سلیمان غیرقابل خدشه است. و این محل را به عنوان جایی می‌شناسد که حضرت داود(ع) در آن جا قربانی ادا میکرد [7]. این واقعیت که معبد مقدس یهودیان در اورشلیم واقع شده است، هم در تورات و هم در زبور به مراتب تکرار شده است. در این دو کتاب مقدس، این مکان جایی است که حضرت داود، حضرت سلیمان و حضرت عیسی علیهم السلام، در آن جا گام نهاده، خطبه خوانده و عبادت کرده‌اند.

ارتباط بین یهودیان، اورشلیم و تپه‌ی معبد بیش از این نیازی به مدارک تاریخی و باستان‌شناسانه ندارد. ارتباط مذکور در نام عربی شهر، قدس/بیت المقدس مستتر است. مسئولیت ما به عنوان مسلمان آن است که از این اماکن محافظت کنیم. نه فقط سازه‌های آن‌ها، بلکه تاریخچه و معنایی که مراجعان به این اماکن محترم می‌شمردند. علاوه بر این، ما نباید اجازه دهیم دعوا و مجادلات سیاست‌زده، بین مردمی که یک خدا را می‌پرستند شکاف بیندازد. حمله به تاریخ یهودیان همیشه منادی حمله به حق زندگی آن‌ها در زمین اجدادشان و حتی حمله به حق کلی آن‌ها برای زندگی بوده است. در نتیجه، دادن اطلاعات غلط به نسل جوان، راه را برای حمله به زنان و کودکان اسرائیلی هموار میکند.

مسجد در اسرائیل وجود دارد که همگی تحت حفاظت قوانین اسرائیل هستند. دولت مستقر اسرائیل اطمینان میدهد که 400 هیچ مسلمانانی به خاطر ایمانش مورد رفتار ناعادلانه مطابق با قانون، قرار نمی‌گیرد. اسرائیل مسجد الاقصی، قبه الصخره و اطراف این دو را به مسلمانان اختصاص داده و کنترل این محل را به دست مسلمانان سپرده است. در حال حاضر دسترسی غیرمسلمانان به این اماکن محدود شده است. آن‌ها تنها میتوانند در روزهای معین، و تنها به مدت سه ساعت از این محل بازدید کنند. گاهی بازدیدکنندگان یهودی و مسیحی مورد حمله و آزار قرار می‌گیرند. غیرمسلمانان اجازه ندارند هیچ شیء یا کتاب دینی با خود داشته باشند. این افراد به صرف لب‌خوانی و خواندن دعا بدون صوت نیز بازداشت می‌شوند.

با این حال در همه جای دنیا، صرف از نظر از استثنائات معدودی، مردم با هر دینی میتوانند از مساجد و اماکن مقدس مسلمانان بازدید کنند. با این حساب به هیچ وجه دلیلی وجود ندارد که از بازدید این افراد از حرم الشریف امتناع به عمل

آید. حضور یک یهودی برای عبادت در این محل، به هیچ وجه نباید تحریک برانگیز باشد. اتفاقاً بر عکس، باید برای مسلمانان مایه ی مباحثات باشد. مثلاً، همان طور که مسیحیان و یهودیان میتوانند در کنار مسلمانان در مسجد سلطان احمد در استامبول عبادت کنند، باید بتوانند از همین حق در مساجد تپه ی معبد استفاده کنند. هیچ منع دینی برای این کار وجود ندارد. مسجد جایی است که باید از مباحثات و تنش های سیاسی رها باشد. مسجد باید جایی باشد که همه به یاد آورند که در برابر خدا یکسان هستند.

متاسفانه شایعات به آشوب و خونریزی در تپه ی معبد انجامید. به طور مشخص، سنگ زدن به عبادت کنندگان یهودی که روبروی دیوار غربی مشغول عبادت هستند، به برقراری تدابیر امنیتی شدید منتهی شد. تدابیر پیشگیرانه و اقدامات خشونت آمیز معمولاً در روزهای تعطیلی دینی یهودیان افزایش میابد. نیاز به اثبات نیست که استفاده از تعطیلات و اماکن دینی برای تهییج و تحریک اقدامات خشونت آمیز، غلط است. هیچ انسان عاقلی نمیتواند جاسازی سنگ و موارد منفجره ی کوچک را در محل عبادت، قبول کند. این اقدامات، اماکن مذهبی را به انبار مهمات تبدیل می کنند. حتی صرف نظر از ارتفاع بیست متری دیوار غربی که از عبادت کنندگان محافظت میکند، تحت هیچ شرایطی ارزش های اخلاقی اسلامی سنگ زدن به مردمی را که مشغول عبادت پروردگار هستند توجیه نمی کند. در نتیجه ی این اقدامات است که نیروهای امنیتی اسرائیل مجبور می شوند واکنش نشان دهند. و این مسئله به درگیری می انجامد [8].

همان طور که در میان تظاهرات کنندگان، افراد مغل و تحریک کننده وجود دارند، اشخاصی هم هستند که گمراه می شوند و از تقیدات دینی شان سوء استفاده میشود. با این وجود، خروجی برخی رسانه ها، تصاویر درگیری را به نحوی نشان می دهند که به نفرت بیشتر دامن زده و پای توده های مسلمانان و حساسیت های آنان را به درگیری باز می کند. این رسانه ها با این کار تلاش می کنند اعمال خشونت را توجیه کرده و از فوران احساسات مخاطبان در جهت مقاصد سیاسی خود بهره بگیرند. در نتیجه برادران مسلمان ما باید بازی را درست تشخیص داده و مردم را مجاب کنند تا با مخالفتها با رویکرد اقتاعی برخورد کنند.

مجتمع الاقصی و اطرافش باید مکانی باشد که به دور از سوگیری های سیاسی، زیبایی های اسلام را با پیروان تمامی ادیان به اشتراک بگذارد. مردم باید به دوست داشتن خدا و ایمان آوردن به خدا تشویق شوند، نه به عکس آن. گره خوردن الاقصی با خشونت و نزاع چیزی است که مسلمانان میتوانند مانع آن شوند. اگر برادران فلسطینی ما، به تحریکات رسانه ها گوش ندهند و اجازه ندهند از دین ما برای تلافی جویی سیاسی استفاده شود، آنگاه شاهد خواهند بود که تدابیر Baarle- امنیتی ای که زندگی روزانه شان را مختل کرده است، برداشته خواهد شد. همان طور که مرز بین دو شهر در هلند از میان کافه ها و خانه های مسکونی عبور می کند، میتوان به جایی Baarle-Nassau در بلژیک و Hertog رسید که مرز میان اسرائیل و فلسطین نیز احساس نشود. اولین مانع برای تحقق این امر، فرهنگ نفرتی است که در طول زمان رشد کرده و با اظهارنظرها و بیانیه های فتنه انگیز سیاسی زبانه می کشد. سیستم آموزش غلط و رسانه های گمراه کننده هم مزید بر علت هستند. فنسها و سیمهای خاردار مسبب خشونت نیستند، بلکه پیامد آن هستند.

تاریخ اورشلیم تاریخ وحی و پیامبران است. پاک کردن آن از تاریخچه ی اماکن مقدسش مخالف هر آرمان و وجدانی است. تلاش برای انکار رابطه ی سه هزار ساله ی وثیق یهودیان و اورشلیم - که حضرت داود بنیان گذار آن

<http://fa.timesofisrael.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%DA%A9%D9%86-%D9%85%D9%82%D8%AF%D8%B3-%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AF-%D8%AC%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%B5%D8%A7%D9%84%D8%AD%D9%87-%D8%A8%D8%A7%D8%B4%D9%86%D8%AF/>

<https://www.harunyahya.info/fa/mqalat/amakn-mqds-bayd-jayy-bray-msalhh-bashnd-nh-nzaa-10411>